



تلقی آیت‌الله جوادی آملی از تأثیر نگاه فطری به زن در خلق تمدن دینی

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب «زن در آیین جلال و جمال»، می‌نویسد اگر ما زن را با فطرت انسانی نگاه کنیم، خود این نگاه به زن با فطرت انسانی می‌تواند به نحو مستقیم و غیرمستقیم، در خلق تمدن نقش داشته باشد.

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب «زن در آیین جلال و جمال»، می‌نویسد اگر ما زن را با فطرت انسانی نگاه کنیم، خود این نگاه به زن با فطرت انسانی می‌تواند به نحو مستقیم و غیرمستقیم، در خلق تمدن نقش داشته باشد. حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا مصطفی‌پور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در باب تمدن و تمدن‌سازی در آثار و آراء علامه جوادی آملی پرداخت و گفت: وقتی که ما از تمدن سخن می‌گوییم، باید در مرحله اول بدانیم که مراد ما از تمدن چیست و بعد ببینیم که یک اندیشمند در ارتباط با تمدن چه می‌گوید و چه مؤلفه‌هایی را برای تمدن ذکر می‌کند و راه‌ها و بسترهایی که برای تمدن فراهم می‌شود، چیست و با توجه به این‌که آیت‌الله جوادی آملی هم در برخی از آثار خود به مسئله تمدن اشاره کرده‌اند، می‌توان این موضوع را از منظر ایشان هم مورد بررسی قرار داد.

نظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی درباره نسبت دین و تمدن

مصطفی‌پور با اشاره به کتاب «شریعت در آینه معرفت» و مبحثی در این کتاب که به مناسبت تبیین یکی از دیدگاه‌های مرحوم علامه طباطبایی مطرح شده است، بیان کرد: مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» و کتاب‌های دیگر خود معتقد است که بر خلاف آن چه که افلاطون و ارسطو می‌گویند که انسان بالطبع اجتماعی است، انسان بالطبع یک موجود استخدام‌گر است و می‌خواهد هم جانوران را، هم طبیعت را و هم انسان‌ها را استخدام کند؛ و لذا چون این استخدام‌گری در طبع هر انسانی هست، طبیعتاً همین امر زمینه‌ای برای تشاجر و اختلاف میان انسان‌ها می‌شود و برای همین ما نیاز داریم به راه‌حلی که مانع این تشاجر و اختلاف و درگیری شود.

وی با اشاره به آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخَيِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند» (بقره/213) ادامه داد: مرحوم علامه با توجه به این آیه می‌گوید آن چیزی که می‌تواند جلوی تشاجر و اختلاف بین مردم را بگیرد و نگذارد که عده‌ای با آن خوی استخدام‌گری زمینه نابودی انسان‌های دیگر را فراهم کنند وحی و نبوت و قانون و از این دست امور است و البته علامه طباطبایی از این طریق به اثبات ضرورت نبوت می‌پردازد.

مصطفی‌پور با اشاره به توجه به این مسئله در آثار آیت‌الله جوادی عنوان کرد: ایشان در کتاب «شریعت در آینه معرفت» به مناسبتی و با عنوان «تبیین توحش طبیعی و تمدن نظری» می‌خواهد همین مطلب مرحوم علامه را بیان کند. آقای جوادی در آثار فراوانش این مسئله را عنوان می‌کند که انسان یک طبعی دارد و یک فطرتی دارد. انسان به لحاظ طبع، همین است که مرحوم علامه فرمود یا آقای جوادی هم می‌گوید؛ یعنی اگر این انسان را به حال خود رها کنیم و قانون و مقررات و عقلانیت و دین و امثال این‌ها نیاید و بر زندگی او حاکم نشود، این انسان به طور طبیعی زیر بار قانون نمی‌رود و حالتی از توحش دارد و برای این که از این حالت توحش خارج شود، خدا از درون، این انسان را مستعد آفریده و در کنار این طبیعت، به او فطرتی داده است که انسان به مقتضای آن فطرت گرایش به خیر و خوبی و گرایش به کمال و رشد و گرایش به تکامل عقلی و امثال این‌ها دارد.

تحقق تمدن در جامعه بشری نتیجه شکوفایی فطرت است

این همکار پژوهشگاه بین‌المللی علوم وحیانی معارج افزود: لذا اگر ما ببینیم و فطرت را در انسان شکوفا کنیم، نتیجه این شکوفایی فطرت، تحقق تمدن در جامعه بشری است و برای همین هم مرحوم علامه می‌گوید که خدا انبیاء را فرستاده است. آیت‌الله جوادی هم همین بیان را با استفاده از آیات قرآن و مبانی فلسفی در کتاب «شریعت در آینه معرفت» توضیح می‌دهد که دین الهی به نحو مبنایی منشأ تمدن است و آن چه که منشأ برای تمدن می‌شود دین الهی است. این دین الهی زمینه‌ساز شکوفایی فطرت انسان‌ها است و وقتی این فطرت شکوفا شد در واقع تمدن هم تحقق پیدا می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به این مطلب که معمولاً در بحث از تمدن به مظاهر و نمودهای ظاهری آن توجه می‌شود، بیان کرد: عموماً

ما به ساختمان‌ها و معماری یا دیگر آثار هنری رایج در یک منطقه و دوره و خلاقیت‌های اعمال شده در یک جامعه توجه می‌کنیم، اما باید دید که آیا همه تمدن در این نمودهای ظاهری محدود می‌شود؟ پاسخ باید داد که نه، یک بخش از تمدن این است و این‌ها در واقع همان مظاهر تمدن است؛ یعنی اگر در جامعه‌ای عقلانیت و علم شکوفا شده و رشد کرده است و در کنار آن نظام‌های سیاسی حاکم زمینه را برای رشد عقلانی در جامعه فراهم کرده و بستر را از نظر حاکم کردن آزادی در جامعه آماده کرده باشند، این جامعه با استفاده از عقلانیت و آزادی در پرتو دین می‌تواند خلاق یک تمدن باشد که مظاهر این تمدن در آثار فرهنگی و هنری و امثال این‌ها خود را نشان می‌دهد.

تفاوت فرهنگ و تمدن از نظر آیت‌الله جوادی آملی

مصطفی‌پور افزود: بر همین اساس است که ایشان در مباحث مفهومی خود نیز با تفکیک فرهنگ و تمدن، تمدن را به معنی شهرنشینی‌ای می‌گیرد که در چارچوب پذیرش قانون و رشد و تعالی در پرتو قوانین دین باشد. در این جا فرهنگ می‌تواند تأثیرگذار در تمدن باشد و دین خود می‌تواند در ایجاد فرهنگ نقش داشته باشد؛ که انسان‌ها باورها و اصول و سنت‌هایی را در آن چارچوب قوانین بپذیرند و از آن‌ها در جهت همان پیدایش یا رشد و تکامل تمدن استفاده کنند.

این مدرس دانشگاه با تأکید بر جایگاه فطرت در آثار و آراء آیت‌الله جوادی آملی، عنوان کرد: ایشان در کتاب‌های مختلف خود و در مباحث گوناگون از فلسفی گرفته تا تفسیر مباحثی را در باب فطرت و این که انسان دارای فطرت است بیان کرده است و حتی یک جلد از تفسیر موضوعی خود را به «فطرت در قرآن» اختصاص داده است. حال اگر ما همه مسائل را به دین و فطرت انسان بازگردانیم، همچنان که آیت‌الله جوادی از دین به عنوان یک عامل اساسی در رسیدن به تمدن و شکوفایی فطرت یاد می‌کند، با آموزه‌ها و تعالیم دینی و در واقع پیام الهی که بیان کننده حقایق فراوانی است مواجه خواهیم بود که این حقایق فراوان به ما می‌گویند نظامات اجتماعی و سیاسی و ... چگونه باید باشند.

بدون آزادی جامعه به سمت تمدن نمی‌رود

وی به عنوان مثال به مسئله آزادی اشاره کرد و گفت: در مرحله اول اگر در جامعه‌ای آزادی نباشد اساساً آن جامعه نمی‌تواند به سمت تمدن پیش برود اما آزادی خود سه بعد دارد. یک بعد این است که ما از چه چیزهایی باید آزاد باشیم و به اصطلاح موانع آزادی چیست این یک مرحله است که دیگران هم به این نکته توجه کرده‌اند. اما علاوه بر این که ما می‌فهمیم که از چه چیزهایی باید آزاد باشیم مرحله دوم این است که آیا می‌توانیم در هر چیزی آزاد باشیم؛ گرچه هویت انسانی ما را به طور طبیعی در معرض خطر قرار بدهد. این است که می‌گوئیم باید آزادی ما حساب شده باشد و باید بدانیم که در چه چیزهایی باید آزاد باشیم. مسئله سوم که خیلی مهمتر است این است که ما برای چه هدفی باید آزاد باشیم؟ پاسخ این پرسش در آموزه‌های اسلامی این است که این آزادی باید در راستای تکامل، پیشرفت، ترقی و تعالی فرد و جامعه باشد. بنابراین آزادی در نگاهی دینی سمت و سویی خاص می‌یابد اما وجود دارد.

با پذیرش مجموعه آموزه‌های دینی خود به خود به سمت تمدن می‌رویم

مصطفی‌پور همچنین با اشاره به نظام‌های سیاسی، گفت: یکی از عناصر اصلی در راه پدید آمدن و استقرار تمدن نظام‌های سیاسی هستند. نظام سیاسی‌ای که با هدف پیاده کردن قوانین دین در جامعه حاکم می‌شوند طبیعتاً به دنبال این هستند که آزادی را تثبیت کنند و در کنار آن عدالت را حاکم سازند تا حقی در جامعه تضییع نشود. زمینه‌های تعلیم و تربیت را فراهم کنند و آن را برای همگان در نظر بگیرند و مواردی از این دست. در نتیجه همین سیر و مسیر، با تمام اجزای آموزه‌های دینی که حاکم می‌خواهد پیاده کند، اگر ما این مجموعه آموزه‌ها را بپذیریم، خود بخود به سمت تمدن می‌رویم و در واقع آن چیزی که هویت واقعی ما را شکل می‌دهد و می‌سازد همین تمدن است.

از نظر آیت‌الله جوادی آملی نگاه به زن با فطرت انسانی می‌تواند تمدن‌ساز باشد

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی با اشاره به این که آیت‌الله جوادی آملی، در آثار تفسیری خود به یک بعد از این مطالب پرداخته، از سایر آثار ایشان نیز یاد کرد و گفت: ایشان در کتاب‌های مختلفی که در مباحث اجتماعی دارند جنبه‌ها و ابعاد دیگری از این مباحث را نیز مطرح کرده است. برای مثال ایشان کتابی دارد در ارتباط با زن که عنوان آن هم «زن در آیین جلال و جمال» است و در آن جا هم می‌گوید اگر ما زن را با فطرت انسانی نگاه کنیم، خود این نگاه به زن با فطرت انسانی می‌تواند، به نحو مستقیم و غیرمستقیم، در خلق تمدن نقش داشته باشد.

مصطفی‌پور اظهار کرد: اتفاقاً ایشان در آن کتاب از سه بعد موضوع زن را مورد بررسی قرار می‌دهد. یکی از لحاظ آن چه که در

متون دینی ما و در قرآن آمده است. یک بعد دیگر به لحاظ عقل است که اصلاً عقل می‌گوید زن باید در جامعه حضور داشته باشد و فعالیت‌های اجتماعی داشته باشد و بتواند نقش ایفا کند و در مسیر تحصیل علم و تعالی علمی خود گام بردارد و به طور طبیعی با واسطه بتواند در جامعه هم اثر بگذارد. ایشان به لحاظ عرفانی هم به این موضوع توجه کرده و به این مسئله پرداخته است که آیا زن می‌تواند رشد معنوی بالایی پیدا کند و به مقام عالی شهود نائل شود؟ در آن کتاب همه حرف این است که زن هم مانند مرد می‌تواند با استفاده از آموزه‌های دینی و البته قرآنی و استفاده از عقل و شهود خود را شکوفا کند و با شکوفا کردن خود خلاق تمدن باشد.

وی افزود: خیلی جالب است که ایشان در پاسخ به این مطلب که گفته شده اگر در بعضی از جوامع یا در گذشته، احیاناً زن‌ها نقشی در ایجاد تمدن یا در پیشرفت علمی نداشته‌اند، این معلول ضعف و نقصان خود زن بوده است، می‌گویند اگر همان شرایطی که برای مردها فراهم شده تا تعالی پیدا کنند برای زن‌ها هم فراهم شود آن‌ها هم می‌توانند در مسیر تعالی گام بردارند.

امکان استنباط اصول کلی تمدنی از آثار علامه جوادی آملی

این همکار پژوهشگاه بین‌المللی علوم و حیانی معارج در پایان گفت: به هر حال ما در ارتباط با تمدن از مجموعه آثار حضرت آقای جوادی اگر بخواهیم صحبت کنیم باید در واقع اصول کلی را از این آثار استنباط کنیم و با شیوه‌های مناسب زمانه این اصول را عملیاتی کنیم تا با عملیاتی کردن این اصول و ارکان بتوانیم هم تمدن را ایجاد و هم زمینه‌های رشد تمدنی را فراهم کنیم.